



حزب کمونیست کارگری - حکمتیست (خط رسمی)
HEKMATIST.COM
هفتگی ۳۳۲
۵ نوامبر ۲۰۲۰ - ۱۵ آبان ۱۳۹۹
پنجشنبه ها منتشر میشود

هزیمت جمهوری اسلامی از هفت تپه

مصطفی اسدپور

دستگیری چهار فعال کارگری نیشکر هفت تپه تنها موجب پوزخند و تمسخر و تحقیر دولت و حکومت جمهوری اسلامی است. برای دستگیری چهار کارگر، هر یک با آدرس و مشخصات کاملاً آشنا، پاتوق هر روزه در مقابل درب ورودی فرمانداری... راستی یراق و دراق، هیاهو و هجوم و دستگیری، متعاقباً، سایه ارباب وثیقه و احضار و محاکمه برای چیست؟

صحنه، گویای لشکر شکست خورده حکومت مرکزی است که از «نبرد هفت تپه» در حال عقب نشینی هستند. این هزیمت تمام عیار است. زمانی از روی پل ورودی شهر شوش از ازدحام سران سه قوه، کمیسیونهای و نمایندگان مجلس، وزرا و وکلا، عمامه های رنگارنگ جای سوزن انداختن نبود. شوش و هفت تپه و در هسته مرکزی آن اعتصاب نیشکر، سرزمین موعودی بود که میبایست با پرچم عدالت، تولید، نظم و قانون از دست رشوه و فساد و خیانت آفزاده های دانه درشت مافیایی رها گردد. امروز در کنار همان پل در مارش عقب نشینی اثری از بیرقهای ظفرمون نیست. اثری از هیئت های بررسی و وعده های نظم و عدالت نیست. در عوض مانور رقت آور مامورانی است که برگرد چهار کارگر گروگان، مشت های نحیف خود را در هوا تکان داده و مینالند: بردگی، خاموشی و تولید!

در حمایت از کارگران هفت تپه

اطلاعیه حزب حکمتیست (خط رسمی)

طرح ضد کارگری «سهام عدالت کارگران»

مصطفی اسدپور

جوانه های «مدرن» در باتلاق خون

ثریا شهابی

عملیات تروریستی ارتجاع اسلامی در هفته های اخیر در فرانسه و اتریش، علاوه بر دامن زدن به موج دیگری از نفرت و انزجار از اسلام و مذهب و دست درازی وحشیانه اش به جان و سلامت و زندگی مردم بی گناه در این و آن گوشه جهان، بعلاوه به موج جدیدی از تحرکات راست افراطی و مذهبی، تحت نام دروغین دفاع از «سکولاریسم» دامن زده است.



گاه خجولانه و امروز وقیحانه گفته میشود که: سکولاریسم، جدایی دین از دولت، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان و آزادی نقد مذهب، نه ارزش هایی که دستاورد انقلاب کبیر فرانسه و محصول طغیان مردم علیه حاکمیت کلیسای مسیحیت، نه کار قیام مردمی برای بزیر کشیدن کلیسا و مذهب از قدرت و به تیغ گیوتین سپردن گردن کلفت رئسای جنایتکار کلیسای کاتولیک و نابود کردن یادگارهای قرون وسطایی، که تماماً «ارزش های جوامع مسیحی و یهودی» است!

توحش باندهای جنایی مافیای ارتجاع اسلامی در فرانسه و اتریش، باندهای آدم کش و جانی که کمترین بویی از انسان و انسانیت نبرده اند، آدم کشانی که با قمه و ساطور و عملیات انتحاری و رگبار، مردم بیگناه را یک روز در کابل و مومبای و یک روز در پاریس و لندن قربانی توحش عنان گسیخته شان می کنند، بی تردید امروز برای قطب دیگر ارتجاع تروریسم جهانی، برکتی است برای باد زدن به یک «جنگ صلیبی» مدرن و امروزی! ... صفحه ۳

ماجرای چیست؟ به سادگی در یک چرخش قلم، در یک نمایش سراسر رسوا، در پایان هفت خوان پر از لجن و توطئه و رشوه و فساد، در آستانه مسخره بازی دیوان عالی حسابرسی مبنی بر خلع ید از مدیران شرکت، ناگهان شهر شوش صاحب دادستان عمومی شده و از خیمه و خرگاه دستگاه قضایی سر و کله قاضی کشیک پیدا میشود. پرونده تبهکارانه و ننگین دولت در هفت تپه گل بود به سبزه حکم عالییه قاضی کشیک نیز آراسته گردید: «با پیگیری دستگاه قضایی استان خوزستان، کارگران هفت تپه حقوق خود را تا مرداد ماه دریافت کردند و مابقی حقوق آنان با پیگیرهای صورت گرفته نیز به تدریج پرداخت می شود.. چند روز پیش تعدادی افراد سودجو و فرصت طلب با راه اندازی تجمعات کارگری و ایجاد هیاهو جلوی در کارخانه و جلوگیری از ورود مدیر اجرایی کارخانه، باعث ایجاد ناآرامی و اغتشاش شدند که با دستور قضائی قاضی کشیک بازداشت شدند... با توجه به فصل تولید و بهره برداری کارخانه و منویات مقام معظم رهبری که امسال را سال جهش تولید نامگذاری کرده اند و همچنین تأییدات رئیس قوه قضائیه در خصوص حمایت از تولید ملی، با هرگونه ایجاد ناامنی و ممانعت از تولید، برخورد قانونی مناسب می شود.» صفحه ۲

آزادی برابری حکومت کارگری

در حمایت از کارگران هفت تپه!

کارگران!

مردم آزادیخواه ایران

از روز پنجشنبه ۸ آبانماه و بدنبال اعتراض کارگران هفت تپه به عدم پرداخت مزد اضافه کاری ۱۷ نفر از کارگران و نمایندگان آنها، با حمله نیروی انتظامی به تجمع کارگران، سرانجام چهار نفر از کارگران را در خانه های خود دستگیر و روانه زندان کرده اند. از آن تاریخ تا کنون یوسف بهمنی، حمید ممبینی، ابراهیم عباسی منجری و مسعود حیوری با خواست اسدبیک و توسط مقامات امنیتی و قضایی به جرم «اغتشاش گری در هفت تپه» و «اخلال در نظم عمومی» زندانی شده اند. کارگران زندانی از روز دستگیری تا کنون حق ملاقات وکیل خود را نداشته اند و از روز گذشته در اعتراض به دستگیری و بی حقوقی خود دست به اعتصاب غذا زده اند. کارگران هفت تپه به محض اطلاع از دستگیری و پرونده سازی اسدبیک و جیره بگیرانش علیه نمایندگان و سخنگویان خود، دست به تجمعاتی در اعتراض به دستگیری همکاران خود و برای آزادی بی قید و شرط آنها، برای پایان دادن به برخورد امنیتی و قضایی با مطالبات کارگران هفت تپه، خاتمه دادن به برخوردهای امنیتی و لغو پرونده سازی های تا کنونی برای کارگران و تامین مطالبات بر حق خود شده اند. سندبیکای کارگران هفت تپه طی فراخوانی و با بیان این حقایق، خواهان حمایت کارگران و آزادیخواهان و نهادهای مدافع طبقه کارگر از هفت تپه و مطالبات آن شده است.

کارگران، مردم آزادیخواه!

کارگران هفت تپه بیش از سه سال است درگیر جدالی روزانه برای پس زدن تعرضات کارفرمای هفت تپه و دولت و مقامات قضایی و امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی به حقوق خود، به زندگی و حرمت و کرامت خود و اعتراض به حقوق معوقه، اخراج از کار، تهدید و ارعاب و شکنجه و پرونده سازی برای کارگران و نمایندگان آنها توسط اسد بیک و همراهانش در هفت تپه، است. دستگاه سرکوب جمهوری اسلامی با دستگیری چهار کارگر هفت تپه در هشتم آبانماه، زندانی کردن و پرونده سازی علیه آنها، هدفی جز مرعوب کردن کارگران هفت تپه و طبقه کارگر در ایران ندارد. اعتراضات چند روز اخیر کارگران هفت تپه بطلان این تلاش را به روشنی نشان داده است. کارگران هفت تپه نشان دادند نه فقط متحدانه و با چنگ و دندان از نمایندگان، سخنگویان و فعالین خط مقدم این جدال حمایت میکنند که با دستگیری هریک از آنان، دهها نفر بعنوان نماینده، سخنگو و فعال دیگر برای پیشروی در این جنگ نابرابر با پیش خواهند گذاشت. امروز جدال بر سر معیشت و یک زندگی انسانی، جدالی به وسعت جامعه است. زندگی طبقه کارگر در ایران بعنوان یک طبقه در معرض حمله وحشیانه به معیشت، بیکار سازی، فقر و فلاکت و نابودی قرار گرفته است. اعتراض و اعتصاب کارگران هفت تپه برای سد بستن در مقابل این تعرض است و حمله به کارگران هفت تپه، حمله به طبقه کارگر ایران، تعرض به ابتدایی ترین حقوق حقه کارگران و مردم آزادیخواه ایران است.

حزب حکمتیست (خط رسمی) ضمن حمایت کامل از کارگران هفت تپه و مطالبات بر حق آنها، ضمن محکوم کردن تعرض مشترک کارفرما و دولت و قوه قضائیه و مقامات محلی جمهوری اسلامی به کارگران هفت تپه و زندانی کردن چهار کارگر هفت تپه، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه را به حمایت از کارگران هفت تپه فرامیخواند. عقب راندن تعرض جمهوری اسلامی به طبقه کارگر، تلاش برای آزادی فوری و بدون قید و شرط کارگران زندانی امروز وظیفه فوری و عاجل طبقه کارگر، از کارگران فولاد، نفت، پتروشیمی، گاز، خودروسازی تا کارگران شهرداری ها و ... تا معلمان، پرستاران، دانشجویان، بازنشستگان و مردم آزادیخواه در ایران است.

حزب کمونیست کارگری- حکمتیست (خط رسمی)

۱۴ آبان ۱۳۹۹ - ۴ نوامبر ۲۰۲۰

این اظهارات از جانب یک قاضی کشیک شاید قابل اغماض باشد اما از یک کاربدست دولتی، قبل از روده درازی و منت «رسیدگی به خواسته های کارگران»، انتظار تشخیص اینکه هفت تپه خوردنی است یا پوشیدنی، نباید انتظار زیادی باشد. قاضی کشیک ما بهتر است ته صف بایستد، قبل از ایشان دولت و مجلس و رئیس قوه قضائیه و امام جمعه و استاندار و بیش از همه خود مدیر عامل زندانی، تازه پس از دو سال مبارزه و خون دل و اعتصاب کارگران فخر «پیگیری» دستمزدهای عقب افتاده دو سال پیش را فروخته اند. بد نیست ایشان در مصاحبه بعدی اشاره کنند که دستمزدها، ناقص پرداخت شد و همگی کارگران از برکات اقدامات ایشان برخوردار نشدند. جناب قاضی بیجا میکند خود را به کوچه علی چپ میزند که دفترچه بیمه کارگران هرگز تمدید نگردید. و بلاخره یک نفر باید پیدا شود و قبل از مجازات کارگر بخت برگشته بعدی، قاضی را شیر فهم کند که این کارگران هستند که با اعتصاب و اعتراض بی وقفه علیه سورچرانی ارز دولتی جناب مدیر عامل در شراکت با استاندار و امام جمعه، سنگ تولید را به سینه زده اند... این پرونده منجلابی است که بیش از هر کس پای قوه قضائیه را میگیرد.

حکم دستگیری و زندان کارگران نیشکر تا عمق آن نفرت انگیز است. هیچ انسانی چه بسا مخالف، با ذره ای شرافت و پایبندی به حقیقت و وجدان نخواهد چیزی جز تحسین و همدردی و سمپاتی نسبت به نیشکری ها بیابد. تنها دشمنی طبقاتی کور و از دل جانوران اسلامی سرمایه میتواند سرمنشاء سناریو و پرسنازهای دشمنی تاکنونی با آن باشد. در پس آفتابه لگن بساط قضائیه و نمایش «مشت های آهنین سرکوب»، این اوج حقارت و ذلت، دله دزدی، پاپوش دوزی دلچک مابانه است که بچشم میخورد.

هر چه هست اصلاح و جایگزینی نمایندگان طبقه بورژوازی امر کارگران نمیتواند باشد. باید از شر این حشرات خلاص شد. باید خطر و عفونت آنها را جدی گرفت. باید در دل مبارزات برای رهایی از مشقات و دست درازی های سرمایه و دولت آن نیروی خود را برای برقراری حکومت کارگری گرد آورد. هفت تپه و نیشکری ها در طول اعتصاب خود از یک طرف با بلند پروازی در مطالبات و اهداف مبارزاتی و از طرف دیگر با تکیه بر اصول همبستگی و احترام عمیق انسانی، برای شرافت و توقعات کارگری سنگر ارزشمندی را بر پا داشته اند.

راه نیمه تمام اعتصاب هفت تپه اساسا نه در خرده فرمایشات قاضی کشیک بلکه در واقعیت نیاز به همبستگی بزرگتر طبقاتی نهفته است. اعتصاب هفت تپه را باید همانجا که نا تمام ماند و در سوالات پیش روی آن دنبال کرد: چه چیز مانع شکل گیری یک مبارزه سراسری برای دستمزدها و بر علیه بیکاری است؟ کی گفته سازماندهی شبکه گسترده رهبران کارگری بطور فوری ممکن نیست؟ چرا نمیتوان دست به کار سازمان دادن فوری یک اعتصاب سراسری شد؟

این اولین بار نیست که کارگران هفت تپه دولت را مجبور به آزادی رفقای خود میسازند، این اولین بار نیست که توطئه و کشمکش فرسایشی احضار و محاکمه را خنثی میسازند. اما این میتواند آخرین بار باشد.

حکمتیست را توزیع

و پخش کنید!

مجمع عمومی نماینده مستقیم کارگران

این تحرک، آب دادن جوانه های علف هرز "جنگ صلیبی" مدرن در باطلاق خونی است که هر روز از جایی فوران میکند! از ترامپ راست در آمریکا تا تونی بلر حزب کارگر در بریتانیا و راست در اروپا، پشت به راست فاشیست و مذهبی اسرائیل، از اردوغان فاشیست در ترکیه تا جنازه ارتجاع اسلامی ایران، همگی تلاش می کنند از این جنایات برای یاد زدن به جنگ صلیبی و ایجاد شکاف و نفرت بین مردم هم سرنوشت در سراسر جهان، تحت نام مسلمان و مسیحی و یهودی، بهره برداری کنند. امروز طالبان متحد ترامپ در کابل شمشیر اسلام را بر سر جوانان بی گناه فرود می آورد و آنها را پاره پاره میکند، در پاریس متحد اردوغان با قمه سر می برد و در ایران مستقیم بر فراز سر مردم در ایران، مشغول دریدن جان و روح و روان هشتاد میلیون نفر است.

نفرت از ایدئولوژی اسلامی، که چهل سال قبل با به قدرت رسیدن ش در ایران توسط قطب ضدکمونیستی غرب، توانست در عرصه جهانی چهارچوب مناسبی در دسترس بگذارد تا هر عنصر و گروه و سازمان جنایی بتواند با مغزشویی و در وقاحتی بی نظیر در مقابل دوربین ها سر ببرد و گردن بزند و رعب و وحشت ایجاد کند، به حق است! مرز تلخ این خشونت را بیش از همه قربانیان حاکمیت اسلام سیاسی و ارزش های آن بر فراز سر خود در ایران و خاورمیانه و آفریقا و آسیا تجربه کرده و هر روز تجربه میکنند.

این جنایات برخلاف علاقه برخی از ژورنالیست های "چپ و میانه رو" که تلاش میکنند که با "درک جانی" جنایت را توجیه کنند، حاصل استیصال قربانیان تروریسم غرب، نیست. عکس العمل "مردم" و هیچ انسانی، در مقابل تروریسمی نیست که میلیونها نفر در خاورمیانه را قربانی کرد! این جنایات حاصل تلاش سازمان یافته مافیای جنایی اسلام سیاسی است. انسان مستاصل فراری از خشونت و تروریسم رسمی دولت های ایران و آمریکا و اروپا، یا خانوادگی نوزاد و دختر و پسر و والدین قربانی امواج دریاها و خشونت مرزبانان در راه فرار می شوند، یا در گروه های صدها نفره قربانی فرار های خطرناک، یا چون کارگر

گرسنه در ایران، زن و مرد فقر زده و مستاصل، خودسوزی و خودکشی میکند. این استیصال نیست که بر دست جوان اروپایی یا آسیایی و آفریقایی قمه میدهد تا سر ببرد یا از پیکر خود بمب بسازد و تخریب کند! هیچ انسان مستاصل و به فعان آمده ای، قادر نیست گردن بزند! مگر اینکه توسط مافیاهای جنایی مغز شویی شده و آموزش دیده باشد. این مافیاهای بدون پول و اسلحه و امکانات و قدرت های حاکم، از آمریکا تا اروپا و ایران و ترکیه و عربستان... تماما فلج اند.

انزجار از ارزشهایی که مبلغ علنی و رسمی قتل و کشتار و خشونت است، تا بتواند با آن پلاتفرم های سیاسی این و یا آن گروه دست پرورده و

بزرگ شده بزرگترین کارتل های اقتصادی و نظامی جهان مدرن را به جلو صحنه براند، تنها می تواند چند روزی چشمان همگان را بر واقعیات ببیند تا دروغین بودن پرچم سکولاریسم مسیحیت و یهودیت را ببیند. این علف هرز، شانس زیادی برای رشد و نمو ندارد! نه اردوغان و نه خامنه ای پاپ قرن یازده هستند، نه ترامپ و تونی بلر "مسیحی" و نتنیاباهو "یهودی" نجبا و اشرافی که بتوانند جنگ صلیبی مدرنی سازمان دهند! تصور اینکه محکومین تحت حاکمیت این کلوپ جنایتکاران، ده قرن بعد از انقلاب اجدادشان، به سادگی در فرانسه و ایران و آمریکا و اروپا، ساکت و نادان، جوانه های آنها را آبیاری خواهند کرد، اگر کودکانه نباشد، ابلهانه است.

با این وجود براه اندازی جنگ و نزاع و نفرت در میان شهروندان بر مبنای اعتقادات مذهبی، میتواند برای پیشروی راست افراطی سکو و ابزار و زرادخانه عظیمی تدارک ببیند، تا ضدیت اش با عدالت اجتماعی و حقوق جهانشمول انسان و همه دستاوردهای بشریت متمدن، از جمله دستاورد انقلاب کبیر فرانسه را، پشت پرچم دروغین سکولاریسم مسیحیت و یهودیت، بپوشاند!

امروز دفاع از دستاوردهای سکولار انقلاب کبیر فرانسه و تعمیم آن به سراسر جهان و به همه مذاهب، کار جنبش سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر است. دفاع از آزادی عقیده و بیان و جدایی دین از دولت و پایین کشیدن بساط همه مافیاهای مذاهب، از شیعه اثنی عشری در ایران تا اسلام اردوغانی در ترکیه، از دولت یهود در اسرائیل تا دولت شیوخ عربستان سعودی و مرخص کردن بساط واتیکان، سرانجام تمام کردن کار انقلاب کبیر فرانسه و تعمیم آن به سراسر جهان، کار طبقه کارگر است.

جمع کردن بساط تروریسم اسلامی هم شرقی و هم غربی، جمع کردن بساط تروریسم دولتی قانونی امثال بلر ها و ترامپ ها و سارکوزی ها و اردوغان ها و خامنه ای ها، کار جنبش ما، جنبش سوسیالیستی و کمونیستی طبقه کارگر است. مقابله با پروپاگاندهای جنگ صلیبی و جدال بین شهروندان جهان منتسب به مسلمان و مسیحی و یهودی، اولین قدم در این راه است.



میان حقوق جهانشمول انسان، قانون اساسی دولت آتی شوراهاست

طرح ضد کارگری «سهام عدالت کارگران»

مصطفی اسدپور



مهر ماه گذشته ایام بخت وارونه «سهام عدالت» کارگران بود. پس از چند هفته تبلیغ و انتظار، در نخستین امتحان عملی، بورس تهران همه کاسه کوزه ها را بهم زد. در چندین نوبت متوالی ارزش سهام «عدالت کارگران» فرو ریخت تا در آخر مهر ماه به کمترین نرخ خود رسیده و نصف شود. (تجارت نیوز، ۳۰ مهر ماه ۱۳۹۹)

فروش سهام کارخانجات به کارگران از داستانهای نخ نما و پا خورده اقتصاد سیاسی در ایران است. گو اینکه کارگران با خرید سهام، صاحب کارخانه میشوند، سکان کنترل تولید در واحد تولیدی را بدست میگیرند، سود حاصل از کارکرد کارخانه را بین خود تقسیم خواهند کرد؛ یک دروغ بزرگ و یک سم علیه منافع و علیه اتحاد کارگری است. کافی است از خود پرسیم کدام کارخانه و کدام سود؟

اولا، ارزش یک واحد تولیدی در تولید و کار کارگران نهفته است. کارخانه باید تولید داشته باشد و مهمتر از آن باید تولید با سود همراه بشود. این سودی است که تنها از بهره کشی از کار کارگر کسب میشود. بخش مهمی از این سود دوباره باید در ابزار و مواد خام تازه و نگهداری دستگاهها و اماکن و ماشین ها بکار انداخته شود.

ثانیا، سهام کارخانه یک کالا است که ارزش آن بستگی به سودی است که از کارکرد کارخانه حاصل میشود. بعلاوه این نه فقط سود، بلکه چشم انداز سود و در مقابل رقاباتی معیار قرار میگیرد که به محض شروع سود آوری یک رشته سر و کله آنها از هر گوشه، در ساختن کالای مشابه و ارزانتر پیدا میشود. همیشه ماشین مقرون به صرفه تر، کارگر ارزانتر و یا واردات هست و تولید را تهدید میکند. موارد ذکر شده برای یک کارگر نه فاکت های اقتصاد سیاسی بلکه واقعیات روزمره کار و زندگی است. کدام کارگر است که در صنایع بزرگ از نفت و پتروشیمی های «سود ده» تا کارگاهها منطق سود و رقابت سرمایه را تجربه نکرده باشد؟ با این توضیحات طرح فروش سهام، کارگران را در مقام بردگی داوطلبانه برای تامین و تضمین سود و سود دهی بنگاه مربوطه قرار میدهد. این امری است که در وانفسای قانون ضد کارگری، دستمزدهای زیر خط فقر و جهنم قراردادهای موقت هم دولت و هم سرمایه دار ایرانی، دست در دست هم به قیمت عرق و خون میلیونها خانواده کارگری سالهاست در پیش گرفته اند. طرح سهام کارگری کارخانه شرکت در یک قرعه بخت آزمایی نیست بلکه هر سهامدار را به یک مسابقه فعال بهره کشی و شکاف و تفرقه میان صفوف کارگری فرا میخواند. باید بخاطر آورد طرح فروش سهام دقیقا در موازات با خصوصی سازیها بخشی از طرح های بورژوازی و دولتها برای از گردن باز کردن صنایع زیان ده است و این را چاره ای در مقابل واحدهای صنعتی همراه با محیط های فعال و پر دود کارگری بکار گرفته شده است.

این طرح و فریب کاری نهفته، برای کارگر ایرانی پس از چهار دهه مصادف با بورژوازی هار و شارلاتان اسلامی ایران زیادی بچگانه است. هفت تپه و فولاد و هپکو شاهدی بر این واقعیت بود که در زیر پوست یک مبارزه حیاتی بر سر شندرغاز دستمزد، اشتها و آمادگی و ادعای کنترل کامل و فوری و بلاواسطه کارگری بر تولید در کمین نشسته است. این ادعا نامه باید جلوی صحنه مبارزات روزمره کارگری قرار بگیرد.

کارگر آگاه ایرانی نه وقت و نه مجال مسخره بازی فروش سهام کارخانجات را ندارد. همه این کارخانجات جزو اموال عمومی مردم زحمتکش است که با خون و عرق آنها ساخته شده است. در اولین طلیعه حق و آزادی طبقه کارگر مصادره خواهند شد. بنا به اراده کارگران باید بخش بزرگ معادن و کارخانجات بخاطر سودآوری به قیمت شرایط غیر انسانی بلافاصله تعطیل بشوند.

بردگی کارگر در ازا دستمزد ناچیز دیگر بس است. سهمی که کارگر میطلبید دستمزد بالاتر، ساعات کار کمتر و سایر مطالبات رفاهی و ایمنی دیگر است. سهمی که کارگر میطلبید رسمیت یافتن تصمیمات مجمع عمومی کارگران کارخانه است. سهمی که طبقه کارگر میطلبید در کل جامعه است، سهم از ثروتی است که در حقوق، رشوه، و درآمدها و ثروت افسانه ای در چنگال اقلیت سهامداران و دیگر مفت خورهای جامعه قرار دارد و فرار میگیرد. این، امر یک انقلاب کارگری است که تمام مبارزات فوری تا اهداف طولانی مدت را بهم میبافد.

hekmatist.com

صدای آزادی، صدای برابری



تماس با حزب

تلگرام حزب @Hekmatistx

دبیرخانه حزب

dabirxane@hekmatist.com

دبیر کمیته مرکزی: آذر مدرسی

azar.moda@gmail.com

تشکیلات خارج کشور حزب: امان کفا

aman.kafa@gmail.com

دبیر دفتر کردستان حزب: مظفر محمدی

mozafar.mohamadi@gmail.com

دبیر کمیته تبلیغات: فواد عبداللهی

fuaduk@gmail.com

حکمتیست هفتگه

سر دبیر: فواد عبداللهی